



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۱۲۱۰
چاپ: روز/تاب، جاده مخصوص کرج، نج زرين شماره ۴ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharhnewsaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۳ اذان مغرب ۲۰:۴۰ اذان صبح فردا ۴:۰۳ طلوع آفتاب ۵:۴۸

چهارشنبه‌خوانی

۱۰ داستان تاسف‌بار



بهاره رهنما

۱۰ داستان تاسف‌بار: تارک دنیا مورد نیاز است

این داستان‌ها نوشته میک جکسون انگلیسی و ترجمه گلاره اسدی‌املی از نشر چشمه است. این مجموعه از جمله کتاب‌هایی است که بعد از مدت‌ها موقع خرید رنگ، طرح و جلد خوش نگاهم را به سمت خود کشید و این موضوع را به یادم انداخت که چقدر یک طرح جلد خوب می‌تواند موثر و مفید باشد؛ در حالی که در ایران اغلب برای کتاب‌ها چنین اتفاقی نمی‌افتد و شاید باید منصفانه‌تر بنویسم که کمتر اتفاق می‌افتد که طرح جلدی چنین تأثیری در جلب نظر مخاطب داستان داشته باشد. متأسفانه کتاب را که ورق زدم، دیدم در متن کتاب هم نقاشی‌هایی شبیه به همین طرح جلد در فصل‌بندی‌های داستان‌ها وجود دارد و خلاصه کاشف به عمل آمد که کتاب از نسخه اصلی‌اش تصویرگر داشته.

دیوید رابرتز خالق این صورت‌ک‌ها و طرح‌های عجیب‌غریب است و عجیب با داستان‌ها و فضای گروتسک آن همخوانی دارد. فانتزی عجیب و به اندازه داستان‌ها اگر اهل پیگیری این نوع ادبیات باشید، حسایی سر کیف‌تان می‌آورد. تازه برای من هم که اصلا دلبسته این‌چور فضاها نیستم، خواندنش حسایی دلچسپ بود، شاید چون این روزها واقعیت‌ها چندان ناخوشایند شده به اگر حتی در داستانی که می‌خوانیم با تردندی بتوان به جهان ساختگی فراواقعی رفت، جهانی که از نوع خنده و فراموشی خودش حس منتعنی است. داستان دو خواهر عجیبی که کنار دریا زندگی می‌کنند. دختری که خیلی اتفاقی تبدیل به یک کلکسیونر استخوان‌های مرده‌ها می‌شود و حتی از ترکیب آنها زیورآلات را می‌سازد. در عین طنز تیزترشان نوعی حس آزار و ترس بر خواننده ایجاد می‌کنند که شبیه حس تعریف کردن داستان‌های ترسناک در شب‌های کودکی و با همبازی‌های آن دوران است؛ داستان‌هایی که به خیالی‌بودن‌شان هیچ شکی نداشتیم اما وقتی شبه‌نگام هر کدام در اتاق‌هایمان می‌رفتیم، دندان‌هایمان زیر لحتاف از ترس به هم می‌خورد. مجسمه‌های ساخنتگی دو خواهر جنایتکار از مردابی که روداند دقیقاً از همین نوع تصویرهاست از همان تصویرهای قصه‌های کودکی هنوز خیلی پررنگ جلو نظرم‌ان می‌آید و این بار تصویرگر خالق کتاب (دیوید رابرتز) در این به یاد ماندن سهم مهمی دارد. برای کنن از صدهای اطراف‌تان در این شهر شلوغ و به داشتن آخر هفته‌ای مهیج و پر از تصویر، خواندن این ۱۰ داستان تاسف‌بار را به شما پیشنهاد می‌کنم.

رویداد

بر نامه جدید فرهاد فخرالدینی برای حضور در صحنه



فرهاد فخرالدینی یک‌سال پس از جدایی‌اش از ارکستر ملی ایران می‌خواهد با یک ارکستر جدید روی صحنه برود. فرهاد فخرالدینی، رهبر سابق ارکستر موسیقی ملی ایران در حال تدارک ارکستری است که همراه با آن به صحنه برود. پیمان میرافانی، نوازنده ویلن ارکستر موسیقی ملی ایران در حال مذاکره با نوازندگان مختلف برای تشکیل ارکستر فخرالدینی است. این ارکستر قرار است مهر امسال برای یک شب روی صحنه برود. سالار عقیلی هم به عنوان خواننده در این ارکستر حضور دارد. رهبری ارکستر به عهده فرهاد فخرالدینی است و احتمال دارد این برنامه تمدید شود. بیش از یکسال است که فرهاد فخرالدینی در ارکستر موسیقی ملی ایران فعالیتی ندارد و هم‌اکنون این ارکستر به همراه برخی از نوازندگان پیشین به رهبری بردیا کیارس مشغول فعالیت است.

شتر



گروه تجسمی: بزرگ‌ترین رویداد هنری در عرصه تجسمی به مدت نیمی از سال در شهر روی آب اروپا افتتاح شده در حالی‌که مرکز هنرهای تجسمی از استقبال شرکت‌کنندگان از غرفه ایران خبر داد. استقبال از غرفه ایران در پنجاه و چهارمین

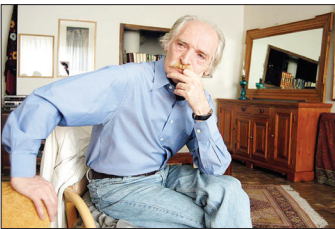
بینال ونیز درحالی در میان خبرهای تجسمی این روزها منتشر می‌شود که حضور محدود هنرمندان ایرانی در همه دوره‌ها منحصراً به بخش غیررقابتی بوده است. ۱۴ خرداد برابر با چهارم ژوئن، بینال ونیز به عنوان یکی از رویدادهای مهم در عرصه هنر، با موضوع «نور و روشنایی» گشایش یافت. ایران نیز برای دومین سال پیاپی با چهار هنرمند در دوسالانه شرکت کرد. به گفته مسوولان مرکز هنرهای تجسمی چند ماه قبل طبق فراخوانی از تمام هنرمندان دعوت شد تا آثار خود را برای شرکت در دوسالانه ارایه دهند که در نهایت سه اثر پذیرفته شد. «محمدمهدی و منیر قل‌بیگی» با اثر مکعب‌های سفالی، «محسن راستانی» با مجموعه عکس از اقوام ایرانی و «هرتزی دریانی» با چیدمانی به نام «روشنایی صلح» که برگرفته از تصویر ۲۴۰ هزار شهید است، برگزیده شدند. البته حضور ایران در این دوسالانه محدود به این دوره نمی‌شود. در پنجاه و سومین دوسالانه ونیز ایرج اسکندری، صداقت جباری و حمیدرضا آویشی به نمایندگی از کشورمان شرکت کردند و به دنبال آن مسوولان وزارت ارشاد تصمیم گرفتند غرفه را به مدت چهار سال اجاره کنند. در فاصله

یاتوق

محمود دولت‌آبادی:

اصلا به مسایل روز فکر نمی‌کنم

سهام‌الدین بورقانی



ما با او هم در مورد این دو کتاب است. خالق «کلیدر» به گرمی پاسخ سوالات را داد که در ادامه می‌خوانید.

✎ **فکر می‌کنم اول از همه کتاب‌هایی که در دست انتشار**

دارد، برای همه جالب باشد.

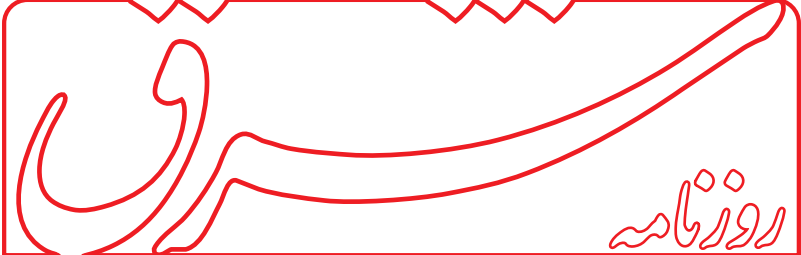
دو کتاب را دارم برای چاپ آماده می‌کنم؛ یکی «دیگران» که نوشته‌های درباره شخصیت‌های داخلی و بعضاً خارجی در آن جای می‌گیرد به علاوه یکی، دو گفت‌وگو که از نظر من اهمیت دارند. دو حدیث نفس را هم در آن گنجانده‌ام.

✎ **این شخصیت‌ها چه کسانی هستند؟**

مثلاً آرتور میلر را ملاقات کردم و درباره درک حضور ایشان نوشتم. درباره احمد شاملو، هوشنگ گلشیری، جلال آل احمد، غلامحسین ساعدی، محمدعلی سپیلو، جواد مجابی، بهرام بیضایی، رضا براهنی، اکبر رادی و ناصر تقوایی و اکثر دوستانی که در داخل بوده‌اند، نوشته‌ام و همه اینها زیر عنوان دیگران منتشر خواهد شد.

✎ **در واقع «دیگران» گزارشی است از دیدار شما با این دوستان یا اینکه شامل موضوعات دیگری هم می‌شود؟**

نه الزاماً گزارش؛ مثلاً درباره سالگرد ۷۰ سالگی بیضایی متنی نوشته‌ام یا مطلبی دیگر درباره «رگ‌بم» مجابی و خصوصیات ساعدی است. در واقع این کتاب حتماً به معنای روایت محضر دیگری نیست. در مورد میلر هم اسر ویزهای بوده ما به آمریکا



چهارشنبه ۱۸خرداد ۱۳۹۰ • رجب ۱۴۳۲ • ۸ ژوئن ۲۰۱۱ • سال هشتم • شماره پیاپی ۱۲۶۵ • شماره ۲۴۱ دوره جدید • ۲۰صفحه

بر پایي نمايشگاه نقاشي هانيبال الخاص



مهر: همزمان با هشتاد و یکمین سالروز تولد هانیبال الخاص نمایشگاهی از این هنرمند فقید در گالری شیرین برپا خواهد شد. این نمایشگاه در نخستین روز تولد پس از مرگ هنرمند زنده‌یاد هانیبال الخاص، برپا می‌شود. در حاشیه‌ی نمایشگاه، یک فیلم ۱۵ دقیقه‌ای از زندگی هانیبال الخاص ساخته آرش ریسیان و یک فیلم یک دقیقه‌ای از آخرین دقایق حضور ایشان در ایران به نمایش در خواهد آمد. این نمایشگاه جمعه ۲۰ خردادماه افتتاح می‌شود و تا چهارشنبه ۲۵ خردادماه در گالری شیرین دایر است.

پلاک ۲۰

کارابلانکا، روزولت، ایدز و ۹۰

حمید جعفری



قضیه شکل اول

«الّا: می‌تونم به داستان برات تعریف کنم
ریک: پایان تعجب‌آوری داره؟
الّا: هنوز باپانشو نمی‌دونم
ریک: بسیار خب، شاید ضمن تعریف کردن باپانشو پیدا کنی.»
آنچه‌از «ریک» می‌شنویم در واقع چیزی نیست جز چکیده فیلم «کارابلانکا» «انگرید برگسن» زمان ساخت و تا لحظات پایان فیلم از نتیجه آن باخبر نبود و کسی هم نمی‌دانست «الّا» یا «ریک» خواهد ماند یا با «ویکتوریا» خواهد رفت. درست مثل آنچه در قسمت اخیر برنامه «۹۰» اتفاق افتاد و مخاطبانی که تا سحر سه‌شنبه بیدار بودند، نمی‌دانستند در آخر چه خواهد شد. آیا «لطفی» نماینده اراک در مقابل آرای مردم تسلیم می‌شود؟ آیا از تصمیم دولت در پایان برنامه انتقاد می‌کند؟ آیا مناظره با نماینده ساری بیخ پیدا می‌کند؟ آیا «فردوسی‌پور» تهدید می‌شود؟ آیا بخش زنده برنامه قطع خواهد شد؟ انگار کسی از پایان برنامه «۹۰» دوشنبه هفته جاری مطلع نبود. نه نماینده اراک، نه نماینده ساری، نه دیگر نمایندگان مجلس، نه «فردوسی‌پور» و نه مدیر شبکه سه سیما و حتی مخاطب.

قضیه شکل دوم

به این جمله «فرانکلین دی. روزولت» توجه کنید: «در سیاست، هیچ چیز اتفاقی رخ نمی‌دهد. اگر چنین شد، می‌توان شرط بست طرحی از پیش تعیین‌شده بوده است.» برخلاف اینکه «فردوسی‌پور» سعی در انکار سیاسی بودن کلیت برنامه‌اش داشت اما آنچه در «۹۰» این هفته روی آنتن رفت یکی از سیاسی‌ترین برنامه‌هایی بود که می‌توانست از صداوسیما پخش شود. «علی لاریجانی»، «محمدحسن بوتای‌پور‌د» و «رحیمی» معاون اول رییس‌جمهوری، این سه نام به دفعات در برنامه «۹۰» دوشنبه‌شب گذشته تکرار شد. «لاریجانی» در سفر بود اما تذکراتی آیین‌نامه‌ای و قانون اساسی درباره تخلفات دولت در انتقال تیم‌های فوتبال تهرانی به شهرستان‌ها و به‌زعم «خوان» دیگر نماینده استان مرکزی سیاسی‌بازی‌های صورت‌گرفته در این مساله باعث شد تا استودیو برنامه «۹۰» چیزی شبیه به صحن علنی مجلس شود. نکته دیگر حضور بسیاری از نمایندگان اصلاح‌طلب و منتقد دولت جلو دوربین صدا و سیما بود که آن هم با ترقدن و طرح سوالاتی چون: انتقال تیمی از شهری به شهر دیگر سیاسی است یا خیر؟» میسر شد. البته زیاد درگیر این حواشی جذاب نشوید به نقیض قضیه اول فکر کنید. به نظر شمای مخاطب طرحی از پیش تعیین‌شده بود یا نه؟

قضیه کمکی

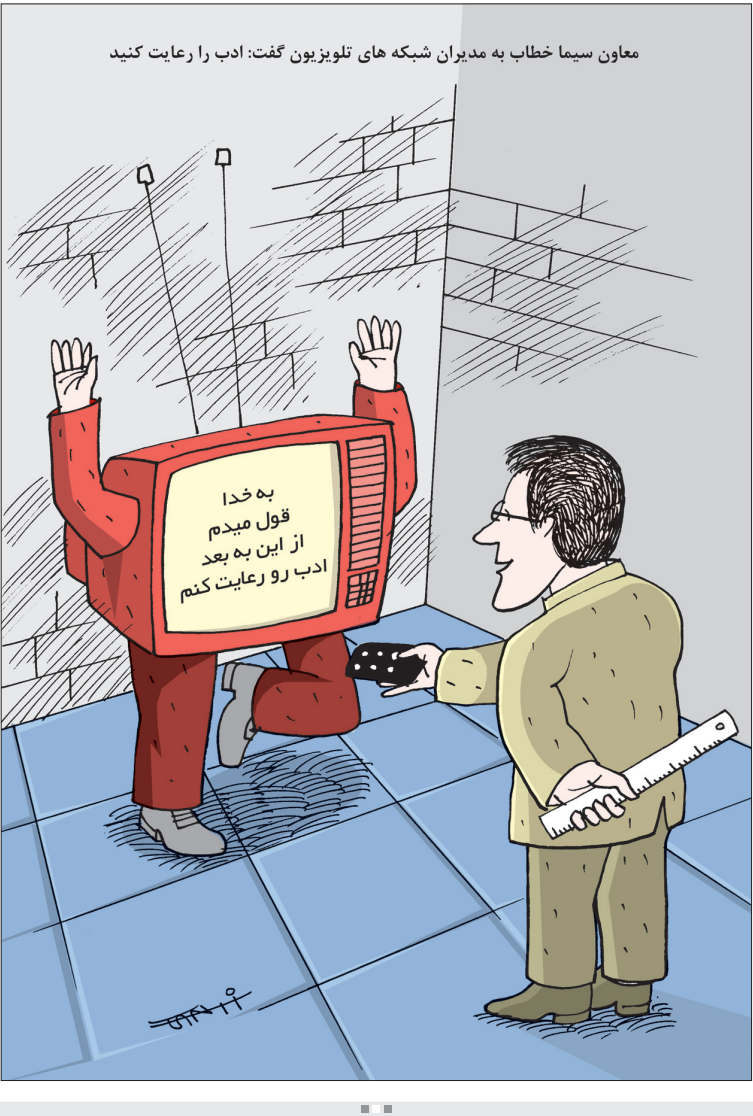
به قول «مبرت‌واکو» هرگاه تو نمی‌دانی که سر و ته داستان را چگونه به‌هم آوری، در این حالت عوامل مربوط به وضعیت قالبی به این اعتبار که قبلاً در جاهای دیگر امتحان خود را پس داده‌اند، کار‌ساز می‌شود و استفاده می‌کنی. به هر حال «لطفی» در استودیویی در صداوسیما نشسته بود نه تلویزیون‌های ماهواره‌ای. نماینده استان مرکزی در حالی خونسرد از تصمیم فوتبالی هیات دولت برای انتقال تیم صنعت نفت تهران به اراک حمایت کرد که حتی به فکر مخاطبی خطور نمی‌کرد. «لطفی» برای اثبات حقانیت‌اش از اتفاقات سیاسی مایه بگذارد.

نتیجه فرضی

گیریم همه اعم از «فردوسی‌پور»، نماینده ساری، نماینده اراک، میهمانان تلفنی و مدیران شبکه سه سیما از پایان برنامه «۹۰» دوشنبه‌شب مطلع بودند، گیریم هیچ چیز اتفاقی رخ نداده، گیریم سر و ته داستان هم آورده نشد و... اما یک چیز را نمی‌توان گرفت آن هم این‌است که «گاله‌انو» نویسنده و روزنامه‌نگار ارگوه‌های در مقاله «Football Realit & Myth» می‌نویسد: «روی دیواری در ریودوژانیرو هوادار تیم فلومیننزه با خط خرچنگ قورباغه نوشته بود: تیم دلخواه من. فردی ناشناس، در یک طغیان و اشتیاق، هواداری‌اش را روی دیواری در مونته ویدیو چنین شهادت می‌دهد: پئارولو، تو مثل ایدز هستی... تو را با خونم حمل می‌کنم. این جمله را خواندم و حیرت‌زده ماندم. آیا عشق به یک تی‌شرت به اندازه عشق به یک فرد خطرناک است؟ رقص‌های تانگو هیچ توجهی به این عشق نکرده‌اند. در هر صورت، انگار پیمان عاشقانه یک هوادار از عقد هر ازدواجی جدی‌تر به نظر می‌آید چون که وفاداری به باشگاه حتی سایه یک شک یا حرکت اشتباه را بر نمی‌تابد.»

کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir



زاویه

سالگرد قسطنطنیه، آغاز عصر نوزایی



فریدون مجلسی

وسطا دانستند و سرنوشت چنین بود که بار دیگر، واقعهای بزرگ در همان شهر پایان عصر تاریکی و سرآغاز دورانی جدید را رغم زند که آن را عصر رنسانس یا باززایی فرهنگی و علمی و اجتماعی بشر دانستند و علوم به اروپا راه یافت. فتح قسطنطنیه ۲۰۰ سال پس از آن انجام شد که عثمان‌یک، سردار دولت سلجوقی روم، سلطنت عثمانی را در سال ۱۲۵۸ میلادی بنیاد نهاد. گویی همه وقایع دست به دست هم داده بودند که این ترکان غز که تازه دو نسل بود سلجوقیان آنان را برای خدمات نظامی از ترکستان فراخوانده بودند بنیان‌گذار امپراتوری بزرگی شدند. عثمان در سالی پیروز شد که هالاک‌خان مغول بغداد را گرفت و المستعصم بالله آخرین خلیفه را ندمال کرد و سلطان محمد فاتح زمانی قسطنطنیه را گشود که پیران سرزمینش هنوز به یاد داشتند که چگونه امیر تیمور گورکانی، ایلدروم بایزید عثمانی را در سال ۱۰۲ میلادی شکست داده و در قفس گذاشته بودا عثمانی‌ها که جاشین و پروره دولت سلجوقی رم بودند، دو چیز را از آنان به ارث بردند: شمشیر ترکی و قلم فارسی؛ و پس از پیروزی نخست پایتخت را از قونیه، قلمرو قلم مولانا جلال‌الدین بلخی، به شهر بسیار زیبای بوسرا، در شرق استانبول کنونی منتقل کردند و این جابه‌جایی به فتح قسطنطنیه کمک کرد و پس از گشودن قسطنطنیه نخستین کار سلطان جوان ارسال فتح‌نامه‌ای گزارش‌گونه به پادشاه پیر هم شانش بود که نوشت: از سلطان این سلطان ابن سلطان وال‌خان این...، سلطان محمد عثمانی پادشاه روم، به عم بز گوارم. ایران ابن سلطان ابن سلطان... جهان‌شاه از قونینو، شاهنشاه ایران ابن درودا در بامداد امروز سه‌شنبه... لشکر ظفرنمون ما مشعر قسطنطنیه را گشود؛ نامه‌ای از پادشاهی جوان به فرمانروای پیر... جهان‌شاه نیز در پاسخ او با عنوان شاهنشاه ایران‌زمین خطاب به آن «فرزند گرامی» خبر از فتوحات خود در هرات و بغداد می‌دهد.

«خط خطی» روی کیوسک

حسین پور، هادی حیدری، شهاب‌جعفرنژاد، کیوان زرگری و... کارتونست‌ها، کاریکاتور‌یست‌ها و تصویرگرانی هستند که هر کدام به تنهایی در حیطه کاری خودشان دارای سبک و نام و نشانی هستند، این بار همه با هم در کنار هم جمع شده‌اند تا در قالبی واحد، در نشریه‌ای تمام رنگی و با کیفیت چاپ بالا، نمایشگاهی کافغذی از آثار خودشان را به نمایش بگذارند. طنزپردازان مجله هستند که سلاقی مختلفی را در زمینه‌های مختلف پوشش می‌دهند. محمدرضا نصیری، احسان ناظم بکایی، موسی حسینی‌راوندی، احسان

مدت زیادی از تولید مجلات فکاهی، مانند توفیق، بهلول، فکاهیون، چلنگر می‌گذرد، هنوز بوی کافغذهای نشریه پر طر‌فاد گل آقا از بین نرفته و همچنان نشریه طنز و کاریکاتور به کارش ادامه می‌دهد که این روزها خبر انتشار نشریه طنزنی جدید جرقه بزرگی در میان نه تنها طر‌فاداران طنز و کاریکاتور بلکه در میان خوانندگان و دست‌اندرکاران مطبوعات کناری زرد. مجله «خط خطی» از چندین سال قبل با رویکرد تولید محتوای تخصصی شروع به کار کرد اما بعد از بالا و پایین‌های بسیار در مسیر رشد مجله سرانجام تولید آن نزدیک به یک سال متوقف شد. سری جدید این مجله از اواخر سال ۸۹ آغاز به کار کرد. کلمبیز درم‌بخش، جواد عزیزاده، علی درخشسی، بزرگمهر